

نسبت ناحیه‌گرایی با ادراک محیطی (مطالعه موردی جنوب شرق ایران)

مراد کاویانی راد (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

kaviani@khu.ac.ir

مسلم نامدارزاده (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

namdarzade@gmail.com

محمد امین گلشن (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

golshanamin1414@yahoo.com

DOI: 10.22067/pg.v2i7.72294

چکیده

بخش عمده‌ای از کنش و منش انسان در اجتماع تابع ذهنیت و برداشتی است که از وضعیت موجود دارد. بر بنیاد ادراک محیطی، ذهنیت و برداشت انسان در سازماندهی عناصر کالبدی فضا، جهت‌دهی به توسعه و امنیت نقش می‌آفریند. در این میان، کشورها به فراخور گستردگی و شمار جمعیت‌شان، تنوع ناحیه‌ای (زمینی و فرهنگی) دارند و مقوله همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی‌شان متأثر از نیروهای ناحیه‌گرا می‌شود. جنوب شرق ایران که قلمرو قوم بلوچ‌ها در ایران است در یک دهه اخیر به واسطه موقعیت جغرافیایی خاص و همجواری با عوامل بی‌ثبات ژئوپلیتیک و ... خاستگاه برخی رخدادهای ناامن‌ساز ناحیه‌ای بوده است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل محیطی (انسانی و طبیعی) موجود در شکل‌دهی به ذهنیت (همان ادراک محیطی) در پیدایش و تداوم ناحیه‌گرایی جنوب شرق ایران می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسش‌نامه) گردآوری شده است. نتیجه پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد ادراک محیطی برخاسته از مولفه‌های مشارکت سیاسی، توسعه نیافتگی اقتصادی، تعامل با شبه‌قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی باعث در هم تنیدگی پیامدهای مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی و منطقه‌ای شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در برداشت جامعه هدف درباره بروز ناحیه‌گرایی دارد.

واژگان کلیدی: ادراک محیطی، ناحیه‌گرایی، امنیت ناحیه‌ای، استان سیستان و بلوچستان

۱- مقدمه

جوامع انسانی به واسطه طیفی از علایق، ترجیحات، ارزشها و ایده‌ها شناخته می‌شوند در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر، تفاوت‌ها بزرگتر، آشکارتر، پیچیده تر و اغلب عمیق‌تر هستند (Leftwatch, 2006: 18). این تفاوت‌ها در مذهب، زبان، قومیت و نژاد نمود دارند، ادراک محیطی ساکنان هر محدوده بر امنیت و ثبات آن منطقه تاثیر به سزایی دارد امنیت موضوعی استنباطی با مفهومی ثابت و محتوای جغرافیایی - سیاسی، تابع شرایط زمان و مکان که در اجتماع شناخته می‌شود باری بوزان اعتقاد دارد نقطه آغاز یک مسئله امنیتی به تصمیم بازیگران و ادراک آن‌ها بستگی دارد (Abdollah Khani, 2007: 83). ادراک انسان به عنوان کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده اجتماع در تبیین مفهوم امنیت، نقش کلیدی دارد بر این پایه برای درک صحیح امنیت - شناخت پیچیدگی‌ها و عوامل روانشناختی که نقشه ادراکی انسان را سامان می‌دهند ضرورت دارد. آموزه‌ها و تجربیات انسان با محیط جغرافیایی که در آن پرورش یافته پیوند دیرین و نزدیکی دارد. محیط ادراکی تصویر ذهنی شخص از محیط عینی است محیط واقعی از طریق صافی فرهنگ، ساختارنگرش، آزموده‌ها و فنون قابل مشاهده است. فرهنگ‌های مختلف ادراک محیطی متفاوتی به نمایش می‌گذارند. عناصر و زمینه‌های محیط جغرافیایی در قالب بن‌مایه‌های عینی و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر مناسبات ملی و ناحیه‌ای کشورها اثر می‌گذارند. در این میان، موقعیت جغرافیایی کشور ایران طی تاریخ به گونه‌ای عمل کرده که امروزه پذیرای تنوع فرهنگی در دو حوزه زبان و مذهب است. از سوی دیگر بخش اساسی هویت ایرانی ماهیت ایرانی-اسلامی (شیعی) دارد بر این اساس، شماری از نواحی دست‌کم در بعد مذهب با اکثریت شیعی ناهمگون هستند. این ناهمگونی به همراه هویت شیعی نظام ج.ا. ایران در جهت دهی به رفتار ناحیه‌گرایانه این نواحی اثرگذار ظاهر شده و به نوعی احساس امنیت و وجود امنیت ناحیه‌ای این بخش از کشور را متأثر کرده است. در این میان، جنوب شرق کشور با اکثریت بلوچ‌اهل سنت از آن دست نواحی است که دست‌کم طی یک و نیم دهه اخیر شاهد بروز تحولات ناحیه‌گرایانه بوده است که پژوهش حاضر بر آن است که عوامل مؤثر بر ناحیه‌گرایی در جنوب شرق کشور را بکاود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

برای ج.ا. ایران نیز به مانند هر نظام سیاسی دیگر حفظ و پاسداری امنیت در مقیاس ملی و فروملی از اولویت برخوردار است. یافته‌های موجود نشان می‌دهند که بر بنیاد نوع مطالبه و فرهنگ تنوع رویکردهای ناحیه‌گرایانه در نواحی مختلف کشور وجود دارد. بر این اساس، شناخت و تبیین عوامل و ساختارهای

مؤثر در ناحیه‌گرایی در جنوب شرق کشور برای کارگزاران کشوری و لشکری از اهمیت خاصی برای تدوین راهبردهای امنیتی و توسعه‌ای برخوردار است.

۳-۱- هدف تحقیق

تخریق حاضر بر آن است که با شناساندن عوامل و زمینه‌های مؤثر در ادراک محیطی ساکنان جنوب شرق کشور و به تبع آن احساس ناحیه‌گرایی، کارگزاران نظام را مقیاس ملی و استانی در تدوین راهبردهای امنیتی و توسعه‌ای یاری کند.

۴-۱- پرسش تحقیق

نقش ساختارهای محیطی (انسانی و طبیعی) در شکل دهی به ذهنیت (ادراک محیطی) و بروز ناحیه-گرایی در جنوب شرق ایران چگونه است؟

۵-۱- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد ساختارهای محیطی (مشارکت سیاسی، توسعه نیافتگی اقتصادی، تعامل با شبه قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی) در مقیاس ناحیه‌ای، ملی و فروملی در شکل دهی به ذهنیت (همان ادراک محیطی) و به تبع بروز ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران نقش دارد.

۶-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی^۱ تحلیلی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسش‌نامه) انجام شده است. در پژوهش حاضر چهار متغیر ضعف مشارکت سیاسی، توسعه نیافتگی اقتصادی، همجواری با شبه قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی که می‌تواند امنیت ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان را متأثر کند به عنوان شاخص‌های آزمون فرضیه‌ها در نظر گرفته شد. و برای هر کدام مؤلفه‌هایی برای سنجش شاخص‌ها در نظر گرفته شد. و برای سنجش میزان توافق از طیف لیکرت^۱ استفاده شد برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و به طور مشخص آزمون فرضیه از آزمون مربع کای استفاده شده است.

۷-۱- جامعه آماری

فراوانی جامعه آماری در پژوهش حاضر ۳۴۸ نفر بود که ۳۳۳ نفر (۸۶/۷ درصد) از پاسخ-دهندگان را مرد و ۵۱ نفر (۱۳/۳ درصد) را زن تشکیل می‌دهد. ۷۰ نفر (۱۸/۲ درصد) از پاسخ-دهندگان در گروه سنی کم‌تر از ۲۰ سال، ۱۱۶ نفر (۳۰/۳ درصد) در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۲۴ نفر (۳۲/۳ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۵۵ نفر (۱۴/۴ درصد) در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۸ نفر (۴/۸ درصد) در گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند.

در پژوهش حاضر ۸ نفر (۲/۱ درصد) از پاسخ‌دهندگان بی‌سواد، ۴۰ نفر (۱۰/۵ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۶ نفر (۱۲/۱ درصد) راهنمایی، ۵۵ نفر (۱۴/۴ درصد) متوسطه، ۸۳ نفر (۲۱/۷ درصد) دیپلم و ۱۵۱ نفر (۳۹/۲ درصد) تحصیلات دانشگاهی هستند. در پژوهش حاضر ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) از پاسخ‌دهندگان بیکار، ۸۶ نفر (۲۲/۳ درصد) دارای مشاغل دولتی، ۱۴۸ نفر (۳۸/۶ درصد) دارای مشاغل آزاد، ۳۳ نفر (۸/۷ درصد) کارگر ماهر و نیمه ماهر، ۱۸ نفر (۴/۸ درصد) کارگر غیرماهر، ۴۷ نفر (۱۲/۳) کشاورز و دامدار، ۲۲ نفر (۵/۶ درصد) خانه‌دار، ۵ نفر (۱/۲ درصد) بازنشسته و ۸ نفر (۲/۱ درصد) دارای سایر مشاغل هستند.

۸-۱- محیط شناسی مسئله

جنوب شرق ایران عمدتاً ناظر بر گستره استان سیستان و بلوچستان است. گستره ای که بیشینه ساکنان آن بلوچی زبان و اهل سنت حنفی مذهب هستند که دنباله‌های فرهنگی آن نیز به دو کشور پاکستان و افغانستان کشیده شده است. گستره یاد شده در حالت کلی خود سرزمینی نسبتاً خشک، پهناور با سکونتگاه‌های اندک، کم جمعیت و پراکنده است. بلوچ‌ها عمدتاً در ایالت بلوچستان پاکستان (۶۰ درصد)، استان سیستان و بلوچستان ایران و استان هلمند و نیمروز افغانستان پراکنده شده‌اند. نزدیک به نیمی از مساحت کشور پاکستان را بلوچستان تشکیل می‌دهد اما به واسطه ضعف بنیادهای زیستی و توسعه نیافتگی تنها نزدیک به هشت درصد از جمعیت آن را در بر می‌گیرد. بلوچستان پاکستان یکی از کانون‌های تنش قومی و مذهبی است که پس از ایالت سرحد گروه‌های بنیادگرا بیشترین فعالیت نظامی و سیاسی را در بلوچستان پاکستان داشته‌اند (Hafeznia, 2011: 138)، استان سیستان و بلوچستان با ۱۱/۴ درصد از مساحت کل، پهناورترین استان کشور است. بخش شمالی که سیستان نامیده می‌شود بیشینه جمعیت آن فارسی زبانان و شیعه مذهب اند و بلوچستان به بخش جنوبی اطلاق می‌شود که عمدتاً باشندگان آن بلوچی زبان و اهل

سنت حنفی مذهب اند. این استان از شرق با دو کشور افغانستان و پاکستان ۱۲۰۰ کیلومتر و از جنوب با دریای عمان به طول تقریبی ۲۷۰ کیلومتر هم مرز است و از منظر فرهنگی شامل سه حوزه فرهنگی کمابیش متفاوت سیستان، بلوچستان شمالی (سرحد) و بلوچستان جنوبی (مکران) است. یافته‌های موجود گویای آن است که بنیاد هویت یابی در جامعه بلوچی طایفه و مذهب است که به نوعی در برابر هویت اکثریت و حاکمیت حاکم قرار می‌گیرد. مذهب اهل سنت حنفی بلوچ‌ها آنها را با بیشینه شیعه مذهب حاکم، متفاوت و گاه در تعارض قرار داده است (Airing, 1979). این استان در بسیاری از آمارها و شناسه‌های فرهنگی و اقتصادی در سنجش با دیگر استان‌های کشور، ضعیف‌ترین است. بدین مفهوم که ضعف توانش‌های محیطی استان، دور افتادگی جغرافیایی نسبت به مرکز، همسایگی با نواحی بحرانی دو کشور فقیر و ناآرام افغانستان و پاکستان، پایین بودن ضریب امنیتی استان، طایفه محوری، نابرخورداری از توزیع فرصت‌ها در گستره ملی، اشتغال بسیاری از لایه‌های اجتماعی در مقوله اقتصاد پنهان یا همان قاچاق مواد مخدر و کالا، مهاجرت به کشورهای عرب کرانه خلیج فارس و بیکاری گسترده در سطح استان از جمله مواردی هستند که کلیت امور اقتصادی استان را متأثر کرده‌اند (Shabani, 2007:44). به واسطه ضعف بنیادهای اقتصادی استان در جذب و به کارگیری نیروی جوان بیکار و وجود زمینه‌های اشتغال پنهان، بسیاری از افراد به پدیده قاچاق روی آورده‌اند. قاچاق الزاماً مواد مخدر نیست بلکه بخش عمده قاچاق استان در حوزه مواد سوختی و کالا است. موارد برشمرده سبب پیدایش جریانهای ناحیه‌گرای مذهبی با منشأ تروریستی شده و امنیت این بخش از کشور را متأثر کرده است (kavianirad, 2010: 88).

۲- بنیادهای نظری تحقیق

۲-۱- جغرافیای رفتاری^۱

کنش و رفتار محیطی انسان تابعی از ادراک محیطی و جغرافیای شخصی وی به شمار می‌رود. رفتار، پاسخ ارگانیک به محرک بیرونی است و شامل همه فرآیندهایی است که موجود زنده از رهگذر آنها محیط پیرامون و حالات درونی خود را حس می‌کند و نسبت به تغییراتی که در آنها درک می‌کند واکنش نشان می‌دهد. به دیگر سخن، واکنشی است که در برابر یک کنش بیرونی انجام می‌شود. بر این پایه، ساختارهای شناختی برآیند کنش متقابل با محیط هستند. این واکنش در انسان پیچیده‌تر از دیگر موجودات

است. پیچیدگی فرآیندهای ذهنی تابعی از تنوع محیطی در قالب محیط واقعی (پدیداری) و محیط ادراکی (نقشه ذهنی) انسان است. واقعیت در جغرافیای رفتاری از دو جنبه قابل بررسی است از جنبه ذهنی و از جنبه خارجی و هر دو جنبه در پیوند با هم هستند (Shariati sabzevari, 2008:55) در جغرافیای رفتاری رفتار در فضا اتفاق می‌افتد و محیط دریافت کننده و تأثیر پذیر به شمار می‌رود (Benou, 2009:6) طی چند دهه اخیر، مطالعه کنش متقابل انسان^۱ محیط در حوزه روان‌شناسی به یافته‌های علمی ارزشمندی دست یافته است. تأثیر عامل محیط بر ویژگی‌های شخصیتی (کنش و منش) افراد از دیرپاترین جستارهای جغرافیایی دست کم در قالب جبرگرایی محیطی بوده است. (Ahmadi, 2006:55) بی‌گمان، بازخوردها و پیامدهای آموخته‌ها و کنش متقابل فرد از محیط در کنش، منش، رشد، شکل‌گیری و تحول شخصیتی افراد تأثیر جدی داشته است. حتی وضعیت محیطی در ظهور و بروز ویژگی‌های ژنتیک فرد نقش بنیادی دارد. (Airing, 1979: 78) از این رو، محیط بر رفتار اثر می‌گذارد و آن را متأثر می‌کند و رفتار به نوبه خود به تغییر در محیط می‌انجامد. همچنان که اشاره شد محیط جغرافیایی آمیزه‌ای از محیط واقعی (پدیداری) و محیط ادراکی (نقشه ذهنی) است. از این رو، پژوهش‌های محیطی مستلزم بهره‌گیری از رویکردهای همانند روانشناسی محیطی و ادراک محیطی در قالب دانش روانشناسی هستند. در این میان بخش عمده از ادبیات جغرافیای رفتاری از دهه ۱۹۶۰ به بعد ناظر بر مفهوم نقشه یا تصویر ذهنی در شکل‌دهی به فضا بوده است. تفاوت‌های فردی در سطوح برخورداری، قومیت، سن، نژاد، جنسیت، شیوه‌ی زندگی، طول مدت - سکونت در یک محدوده، روش جابه‌جایی در نقطه سکونت‌گاهی، دسترسی به رسانه‌ها، ویژگی‌های جغرافیای طبیعی منطقه، بر شیوه دریافت محیطی و جغرافیای رفتاری فرد یا گروه اثر می‌گذارند. از این رو، انسان‌ها ماهیت محیط را به واسطه فرایندهای تفسیری پیچیده‌ای درک می‌کنند. این همان پدیده‌ای است که از آن با عنوان نقشه ذهنی یاد می‌شود. بر بنیاد پژوهش‌های انجام شده نقشه ذهنی طبقات فرودست با ثروتمند متفاوت است. نقشه ذهنی یا شناختی نقشه‌ی محیطی درون ذهن یک فرد است که دانش و پیش‌داوری‌های^۱ او را بازتاب می‌دهد. نقشه ذهنی میانجی دریافت محیطی و محیط کالبدی است. بر این اساس، فضاهای بسامان و خوانا برآیند ذهنیت بسامانی به شمار می‌روند که فرد یا گروه در آن محیط احساس امنیت و هویت می‌کند. برخی بر این باور هستند که هر چند انسان تحت تأثیر محیط و

وراثت قرار دارد اما این اراده اوست که توان تحمیل خود بر محیط و وراثت را دارد. بی گمان، این اراده خود تابعی از نقشه ذهنی در جهت دهی به ارزش‌ها و نیازهاست. امروزه انقلاب در تکنولوژی اطلاع رسانی، پیشرفت فناوری‌های نوین و رقابت‌های رسانه‌ای از رهگذر ذهنیت‌سازی یا جهت دادن به نقشه‌های ذهنی (برداشت‌ها، اولویت‌ها و رتبه‌بندی گزینه‌ها) به موازات منافع و مصالح کُنشگران و بازیگران سیاسی، کارکردی مشروعیت بخش یا مشروعیت زدا به کُنشگران عرصه فضا داده (Hafeznia & kavianirad, 2014:85)

۲-۲- ادراک محیطی

اصطلاح ادراک در علم جغرافیا عمدتاً به عنوان فهم تفسیر ذهنی در مورد موقعیتها یا عارضه‌های قابل رویت دریافت شده از طریق حواس و پنجگانه انسان می باشد ادراک محیطی تصویر ذهنی شخص از محیط و نمود بخشی از محیط واقعی است (Behforouz, 1992: 51). محیط واقعی از طریق صافی فرهنگ، ساختارنگرش، آزموده‌ها و فنون قابل مشاهده است. فرهنگ‌های مختلف دارای ادراک محیطی متفاوتی هستند. هم‌چنین نقشه‌های شناختی مجموعه‌ای از تکنیک‌های مطالعه و درک افراد از محیط پیرامون آن می‌باشد (Ahmadi, 2006:48) بر این بنیاد تصمیم‌های مختلف شخصی و اجتماعی گرفته می‌شود. عناصر محیط جغرافیایی در قالب بن‌مایه‌های عینی و مناسبات اجتماعی نمود دارند. اندیشه انسان در پیوند با تجربه‌های شخصی، نحوه کنش متقابل با دیگران، عضویت در سازمان‌ها و محیط اجتماعی شکل می‌گیرد فرهنگ و سازه‌های انسانی برآیند ذهنیت، جهان‌بینی، ویژگی‌های مکانی و چشم‌انداز همانند تاریخ، جغرافیا، بوم‌شناسی و... پدیدآورندگان است. واژه ادراک ناظر بر درک روابط میان همین اجزا به صورت یک کل سازمان یافته است که ویژگی‌های ساختاری محیط بر عملکرد آن جهت می‌دهند. بدین مفهوم که - الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی را بر ساکنان خود تحمیل یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی را تضعیف می‌کند (Mortazavi, 2000:2). ادراک، فرآیند دریافت و تبیین محرک‌های پیرامونی است که افراد برپایه آن پنداشت خود از محیط را تعریف می‌کنند (Isfahani & Ehsanpoor, 2005:49). از این رو محیط ادراکی، تصور ذهنی برخاسته از محیط پدیداری به شمار می‌رود که با گسترش قلمرو آن محیط کارکردی نیز گسترش و متناسب با افزایش درک افراد از محیط، رفتارهای سنجیده‌تری در آنجا گرفته می‌شود (Shakkoui, 2007:112).

۲-۳- امنیت ناحیه ای

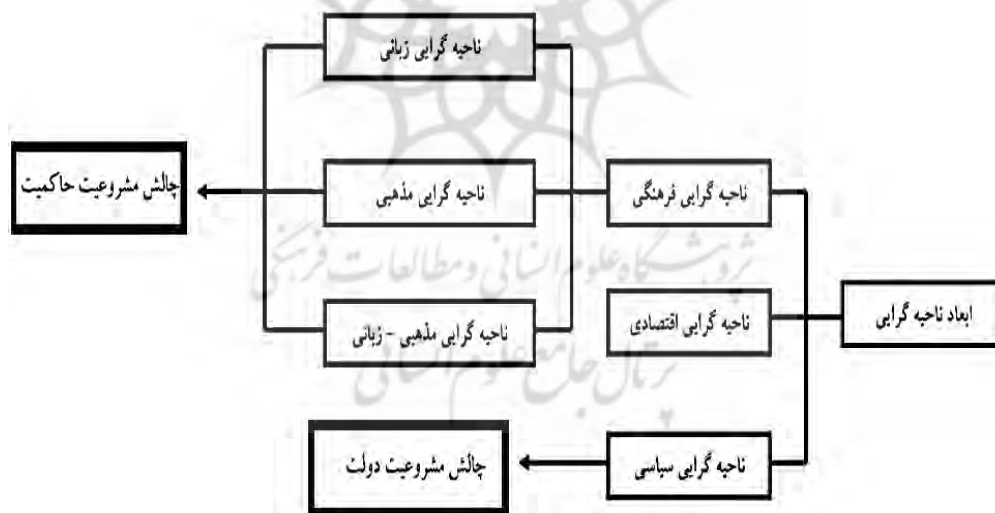
امنیت مصونیت از تعرض و در مورد افراد به معنای آن است که مردم هراسی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند. بنا به تعریف مینگ: «امنیت، آزادی از عدم امنیت است» و جان مارز معتقد است «امنیت، آزادی نسبی از تهدیدهای آسیب رساننده است. برخی دیگر امنیت را به صورت «ایجابی» و «سلبی» تقسیم می‌کنند. در معنای ایجابی امنیت وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت مردان و شهروندان و در معنای سلبی نبود ترس، اجبار و تهدید را به عنوان یک شاخص در نظر می‌گیرند (Eftekhari, 1998:45). امنیت در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از وجود تهدید بر ضد ارزش‌ها را معین می‌کند (Volfer, 2000:319). امنیت مقیاس‌های متفاوتی دارد که در این میان، «امنیت ملی» عبارت است از شرایطی که در آن منافع ملی و ارزش‌های داخلی یک ملت از گزند خطرها و تهدیدهای داخلی و خارجی دور نگاه داشته شود (Mojtahedzade, 2011:78). در این میان، امنیت ناحیه ای در مقیاس فروملی ناظر بر وجود یا عدم وجود شرایط یا ساختارهایی است که به واسطه تمایز که ساکنان آن ناحیه به صورت حقیقی یا احساسی با اکثریت احساس و ادراک می‌کنند. (Bouzan, 2013:67)، ادراکی که عمدتاً ناظر بر گونه ای احساس طردشدگی است. این ادراک بعدها مبنای تعامل ژئوپلیتیک آن ناحیه با بقیه کشور است که در بسیاری از موارد با تنش و ناامنی همراه می‌شود (Karmon, Ely, 2005:66).

۲-۴- ناحیه گرایی و ابعاد آن

ناحیه گرایی را می‌توان نوعی ابراز بیان ناخرسندی ساکنان یا مردم ناحیه به اقدامات حکومت مرکزی در نادیده انگاشتن یا کم توجهی به حقوق و مطالبات آنان دانست، زیرا آنها بر این باورند که حکومت مرکزی که محصول اراده اکثریت فرهنگی است، مطالبات اقتصادی و فرهنگی‌شان را که برآیند تمایزات فرهنگی ناحیه‌ی ناهمسان با اکثریت ساکن گستره ملی است نادیده گرفته است (kaviani, 2010:60) در مفهومی دیگر ناحیه‌گرایی جنبشی است که هدف آن حفاظت و پیشبرد منافع و علایق خاص ناحیه ای و تدبیر تنگناهای سرزمینی ناحیه ای است که اغلب با احساس هویت جمعی همراه است. اصولاً گرایش‌های ناحیه‌گرایانه کارکرد حکومت برای اصل ثبات و بقاء ملی را با دشواری همراه می‌کند (Hafeznia & kavianirad, 2013:234). در این راستا، عوامل متعددی از جمله: وسعت، شکل فضایی

دولت، عدم پیوستگی در الگوهای استقرار و سکونت، نابرابری‌های فضایی، اقتصادی، رفاهی و عوامل جغرافیایی در ایجاد روحیه ناحیه‌گرایی موثر واقع می‌افتد. بنابراین مناطقی از کشور به سبب عوامل انسانی و طبیعی دچار پراکندگی‌اند و در ارتباط و تماس با دولت‌های خارجی بوده و نیز علایق اقتصادی، اجتماعی و نگرش‌های سیاسی متفاوتی نسبت به مرکز دارند را می‌توان در زمره ناحیه‌گرا به شمار آورد. ناحیه‌گرایی در کلیت خود نشان دهنده وجود بحران است است که مشروعیت نظام سیاسی و دولت را دست کم در مقیاس ناحیه‌ای به چالش می‌کشانند.

عوامل و عناصری که موجودیت ناحیه‌گرایی را در یک واحد سیاسی به وجود می‌آورد، تابعی از شرایط، خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد آن ناحیه خواهد بود. به عبارت دیگر، نیروی اولیه حرکت یک جنبش ناحیه‌گرایانه در تمامی کشورهای درگیر با این پدیده یکسان نیست، زیرا خاستگاه آن در هر واحد سیاسی یکسان نبوده و تابعی از شدت و توان یکی از گونه‌های این پدیده و یا در بعضی موارد همه آنها بوده است. بر این اساس ناحیه‌گرایی گونه‌شناسی ناحیه‌گرایی عبارتند از: ۱- ناحیه‌گرایی فرهنگی ۲- ناحیه‌گرایی اقتصادی ۳- ناحیه‌گرایی سیاسی (Kavianrad & colleagues, 2016:8)



(Kavianrad & colleagues, 2016:8)

۳- یافته‌های پژوهش (شاخص‌های سنجش یافته‌های پژوهش)

در پژوهش حاضر چهار متغیر ضعف مشارکت سیاسی، توسعه نیافتگی اقتصادی، تعامل با شبه قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی که می‌تواند امنیت ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان را متأثر کند به عنوان شاخص‌های آزمون فرضیه‌ها در نظر گرفته شد. و برای هر کدام مؤلفه‌هایی برای سنجش شاخص‌ها در نظر گرفته شد. و برای سنجش میزان توافق از طیف لیکرت و به طور مشخص از موم فرضیه کای^۱ استفاده شد. در ادامه شناسه‌های جامعه آماری تشریح خواهند شد:

۳-۱- ضعف مشارکت سیاسی

استان سیستان و بلوچستان از نرخ مشارکت سیاسی پایینی نسبت به دیگر استان‌های کشور برخوردار است در حالی که از عوامل رضایت و ایجاد احساس تأثیر گذار بودن در تصمیم‌گیرهای حکومتی مشارکت سیاسی است. این موضوع سبب می‌شود تا احساس بی‌تأثیری در اداره امور سیاسی در بین مردم تقویت شود تشکل‌های مردمی و آحاد مردم می‌توانند در مبارزه با نامنی و برقراری امنیت کشور کمک نمایند بر این اساس از عوامل تأثیر گذار در ایجاد ادارک ناحیه‌گرایی در استان سیستان و بلوچستان ضعف مشارکت در تمام ابعاد آن سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است. (Alimadadi, 2015:152-154)

پژوهش حاضر برای سنجش ضعف مشارکت سیاسی، مؤلفه‌هایی نظیر ضعف مشروعیت سیاسی در ناحیه با وجود حضور در انتخابات، کاهش همگرایی ملی به سبب ضعف مشارکت اهل سنت در امور استانی و ملی و ذهنیت بدبینانه‌ی اهل سنت نسبت به رویکرد و اقدامات مسئولان کشور در سطح ناحیه و استان مورد پرسش قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده از نظرسنجی با استفاده از طیف لیکرت میانگین نمره‌ی تمامی مؤلفه‌ها به ترتیب با ۳/۳۹، ۴/۰۴ و ۳/۳ بالاتر از میانه‌ی نظری (متوسط نمره) یعنی ۳ می‌باشد، که در پژوهش حاضر مشخص‌کننده ضعف مشارکت سیاسی در ناحیه مورد مطالعه است (جدول ۱).

1. Likert scale

جدول ۱- نتایج نظرسنجی در زمینه‌ی ضعف مشارکت سیاسی (درصد)

میانگین نمره	میزان توافق با مؤلفه‌ها						مؤلفه‌ها
	مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۰۴	۱۰۰	۲۳/۸	۵۷/۱	۱۷/۹	۱/۲	-	کاهش همگرایی ملی به سبب ضعف مشارکت اهل سنت در امور استانی و ملی
۳/۳۹	۱۰۰	۳/۶	۴۵/۲	۳۹/۳	۱۰/۷	۱/۲	ضعف مشروعیت سیاسی در ناحیه با وجود حضور در انتخابات
۳/۳	۱۰۰	۴/۸	۳۹/۳	۴۱/۷	۹/۴	۴/۸	ذهنیت بدبینانه اهل سنت نسبت به رویکرد و اقدامات مسئولان کشور در مقیاس ناحیه و استان

۳-۲- توسعه نیافتگی اقتصادی

در پژوهش حاضر برای سنجش توسعه نیافتگی اقتصادی، مؤلفه‌هایی نظیر دیدگاه منفی شکل گرفته مردم نسبت به حکومت به سبب کم‌توجهی به تأسیس بازارچه‌های مرزی، توسعه مناطق آزاد اقتصادی و رونق اشتغال، کاهش جذب گردشگران داخلی و خارجی به سبب ضعف امنیت، کاهش سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی به سبب ضعف امنیت و ناتوانی ساکنان در تأمین نیازمندی‌های معیشتی به سبب توسعه نیافتگی ناحیه از نظر زیرساخت‌های اقتصادی مورد پرسش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مؤلفه‌های مربوط به توسعه نیافتگی اقتصادی در جدول ۶ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین نمره تمامی مؤلفه‌ها به ترتیب با ۴/۱۱، ۴/۰۲، ۴/۳۶ و ۳/۳۶ بالاتر از میانه‌ی نظری (متوسط نمره)؛ یعنی ۳ است که در پژوهش حاضر مشخص کننده توسعه نیافتگی اقتصادی در ناحیه مورد مطالعه است (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج نظرسنجی در زمینه‌ی توسعه‌نیافتگی اقتصادی (درصد)

میانگین نمره	میزان توافق با مؤلفه‌ها					مؤلفه‌ها
	مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	
۴/۲۶	۱۰۰	۳۶/۹	۵۲/۴	۱۰/۷	-	کاهش سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی به سبب ضعف امنیت
۴/۱۱	۱۰۰	۲۵	۶۳/۱	۹/۵	۲/۴	دیدگاه منفی شکل گرفته مردم نسبت به حکومت به سبب کم‌توجهی به تأسیس بازارچه‌های مرزی، توسعه مناطق آزاد اقتصادی و رونق اشتغال
۴/۰۲	۱۰۰	۲۱/۵	۵۹/۵	۱۹	-	کاهش جذب گردشگران داخلی و خارجی به سبب ضعف امنیت
۳/۳۶	۱۰۰	۱۱/۹	۳۳/۳	۳۳/۳	۲۱/۵	ناتوانی ساکنان در تأمین نیازهای معیشتی به- سبب توسعه‌نیافتگی ناحیه از نظر زیرساخت‌های اقتصادی

۳-۳- همجواری با شبه‌قاره هند (پاکستان) و افغانستان

به واسطه همجواری استان سیستان و بلوچستان با شبه‌قاره هند (پاکستان) و افغانستان و عدم وجود ثبات سیاسی، اداری، اقتصادی در افغانستان و پاکستان از چندین دهه قبل تاکنون همواره منشأ بروز مشکلاتی در مرزهای جنوب شرقی کشور بوده است. تعصبات فرقه‌گرایانه و جنگ‌های فرقه‌ای یکی از مشخصه‌های کشورهای شبه‌قاره و به خصوص پاکستان است. گسترش درگیری‌های فرقه‌ای در پاکستان به ویژه تداوم حملات تروریستی گروه‌های وهابی به شیعیان پاکستانی و اعمال فشار بر آنها، ترور دیپلمات‌های ایران به دست همین گروه‌های افراطی حاکی از قدرت‌یابی این گروه‌ها و افزایش نفوذ آنها در ارکان تصمیم‌گیری دولت‌های فدرال و ایالتی کشور پاکستان است. ترکیب قومی و مذهبی موجود در استان‌های مرزی شرقی کشور به نحوی است که نوعی ضعف ژئوپلیتیک را در این مناطق برای نظام جمهوری اسلامی فراهم آورده است. غفلت از این موضوع از طرفی و هوشیاری دشمنان در آن سوی مرزها و بهره‌برداری آنان از موقعیت ایجاد

شده، به نوعی تهدید محسوب می‌گردد.. با توجه به این که سه کشور عربستان، پاکستان و امارات از اصلی‌ترین حامیان مالی جریان‌های سلفی هستند استان سیستان و بلوچستان به لحاظ بافت قومی - مذهبی و مجاورت جغرافیایی با پاکستان و افغانستان از بیشترین پتانسیل فعالیت گروه‌های سلفی برخوردار است. (Dahmrdeh, 2015:10).

بر بنیاد پژوهش‌هایی که پیش از این به عمل آمده است در پژوهش پیش رو، برای سنجش همجواری ناحیه مورد مطالعه با شبه قاره‌ی هند (پاکستان) و افغانستان مؤلفه‌هایی نظیر تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی متأثر از اثرپذیری از تحولات برون مرزی و همچنین تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی به سبب کم توجهی به خصیصه‌های قومی - مذهبی ناحیه توسط حکومت مورد پرسش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مؤلفه‌های مربوط به تعامل ناحیه مورد مطالعه با شبه - قاره هند در جدول ۷ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین نمره تمامی مؤلفه‌ها به ترتیب با ۳/۶۳ و ۴/۰۱ بالاتر از میانه نظری (متوسط نمره) یعنی ۳ است که مشخص کننده تعامل ناحیه مورد مطالعه با شبه‌قاره هند، یعنی کشورهای پاکستان و افغانستان است (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج نظرسنجی در زمینه همجواری ناحیه مورد مطالعه با شبه‌قاره هند (درصد)

میانگین نمره	میزان توافق با مؤلفه‌ها						
	مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۰۱	۱۰۰	۲۰/۲	۳۴/۵	۳۴/۵	۹/۵	۱/۲	تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی برخاسته از کم توجهی به خصیصه‌های قومی - مذهبی ناحیه توسط حکومت
۳/۶۳	۱۰۰	۲۵	۵۴/۸	۱۷/۹	۱/۲	۱/۲	تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی به سبب عوامل و تحولات برون‌مرزی

۳-۴- ناحیه‌گرایی مذهبی

در پژوهش حاضر برای سنجش ناحیه‌گرایی مذهبی، مؤلفه‌هایی نظیر ضعف هم‌گرایی با دیگر نواحی کشور به سبب تمایز فرهنگی و مذهبی، ضعف انعکاس سنت‌ها و عقاید مذهبی و قومی توسط صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، بروز اقدامات خرابکارانه و تروریستی به سبب تأثیرپذیری از اندیشه‌های بنیادگرایی سلفی برون‌مرزی، گرایش به فرهنگ و مذهب آن سوی مرز به سبب

شباهت‌های قومی و مذهبی و گسترش مدارس مذهبی اهل سنت مورد پرسش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مؤلفه‌های مربوط به ناحیه‌گرایی مذهبی در جدول ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین نمره همه مؤلفه‌ها به ترتیب با ۳/۰۵، ۳/۵۲، ۳/۵۵، ۳/۴۹ و ۳/۲۶ بالاتر از میانه نظری (متوسط نمره)؛ یعنی ۳ است که مشخص کننده وجود ناحیه‌گرایی مذهبی در ناحیه مورد مطالعه است (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج نظرسنجی در زمینه‌ی ناحیه‌گرایی مذهبی (درصد)

میانگین نمره	میزان توافق با مؤلفه‌ها						مؤلفه‌ها
	مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳/۵۵	۱۰۰	۱۳/۱	۳۶/۹	۴۱/۷	۸۳	-	بروز اقدامات خرابکارانه و تروریستی به سبب تأثیرپذیری از اندیشه‌های بنیادگرایی سلفی برون‌مرزی
۳/۵۲	۱۰۰	۱۳/۱	۴۴	۲۶/۲	۱۵/۵	۱/۲	ضعف انعکاس سنت‌ها و عقاید مذهبی و قومی در صدا و سیما
۳/۴۹	۱۰۰	۱۱/۹	۳۳/۴	۴۶/۴	۸۳	-	گرایش به فرهنگ و مذهب برون‌مرزی به سبب شباهت‌های قومی و مذهبی
۳/۲۶		۱۷/۹	۲۳/۸	۳۵/۷	۱۱/۹	۱۰/۷	گسترش مدارس مذهبی اهل سنت
۳/۰۵	۱۰۰	۴/۸	۲۹/۸	۳۶/۹	۲۲/۵	۶	ضعف هم‌گرایی با دیگر نواحی کشور به سبب تمایز فرهنگی و مذهبی

۴- تحلیل یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و به طور مشخص آزمون فرضیه‌ی تحقیق براساس آزمون مربع کای بوده است. با استفاده از آزمون مربع کای، تأثیر مؤلفه‌های ضعف مشارکت سیاسی بررسی شده است. بر پایه بررسی صورت گرفته در تمامی مؤلفه‌ها، معیار تصمیم‌گیری (۰/۰۰۰) کم‌تر از ۰/۰۱ محاسبه شده است. بنابراین، فرضیه نفی مبتنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین فراوانی‌های متغیر اندازه-گیری شده رد می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان ادعا کرد بین فراوانی متغیرهای اندازه‌گیری شده اختلاف معنادار وجود دارد. بر اساس تجزیه و تحلیل مؤلفه ضعف مشارکت سیاسی در ناحیه، با وجود حضور در انتخابات، طبقات زیاد و متوسط به ترتیب با ۱۷۴ و ۱۵۱،

در مؤلفه کاهش همگرایی ملی به سبب ضعف مشارکت اهل سنت در امور استانی و ملی، طبقات زیاد و خیلی زیاد به ترتیب با ۲۱۹ و ۹۱ و در مؤلفه‌ی ذهنیت بدبینانه اهل سنت نسبت به رویکرد و اقدامات مسئولان کشور در سطح ناحیه و استان، طبقات متوسط و زیاد به ترتیب با ۱۶۰ و ۱۵۱ دارای بیش‌ترین فراوانی هستند. بر این اساس فراوانی‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌ها در ضعف مشارکت سیاسی در ناحیه تأثیرگذار بوده‌اند.

با استفاده از آزمون مربع کای، تأثیر مؤلفه‌های «توسعه‌نیافتگی اقتصادی» (دیدگاه منفی مردم نسبت به راهکارهای حکومت به سبب کم‌توجهی به تأسیس بازارچه‌های مرزی، توسعه‌ی مناطق آزاد اقتصادی و رونق اشتغال، کاهش جذب گردشگران داخلی و خارجی به سبب ضعف امنیت، کاهش سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی به سبب ضعف امنیت و ناتوانی ساکنان در تأمین نیازمندی‌های معیشتی به سبب توسعه‌نیافتگی ناحیه از نظر زیرساخت‌های اقتصادی بر کاهش اعتماد به حکومت مرکزی در ناحیه مورد مطالعه مورد آزمون قرار گرفت. در همه مؤلفه‌ها، معیار تصمیم‌گیری (۰/۰۰۰) کم‌تر از ۰/۰۱ محاسبه شده است. بنابراین فرضیه نفی مبتنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین فراوانی‌های متغیر اندازه‌گیری شده رد می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان ادعا کرد بین فراوانی متغیرهای اندازه‌گیری شده اختلاف معنادار وجود دارد. در جدول ۱۲ می‌توان اختلاف بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار را مشاهده کرد. در مؤلفه‌ی دیدگاه منفی مردم نسبت به حکومت مرکزی به سبب کم‌توجهی به تأسیس بازارچه‌های مرزی، توسعه‌ی مناطق آزاد اقتصادی و رونق اشتغال، طبقات زیاد و خیلی زیاد به ترتیب با ۲۴۲ و ۹۷، در مؤلفه کاهش جذب گردشگران داخلی و خارجی به سبب ضعف امنیت، طبقات زیاد و خیلی زیاد به ترتیب با ۲۲۸ و ۸۳، در مؤلفه کاهش سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی به سبب ضعف امنیت، طبقات زیاد و خیلی زیاد به ترتیب با ۲۰۱ و ۱۴۲ و در مؤلفه‌ی ناتوانی ساکنان در تأمین نیازمندی‌های معیشتی به سبب توسعه‌نیافتگی ناحیه از نظر زیرساخت‌های اقتصادی، طبقات متوسط و زیاد به ترتیب با ۱۲۸ و ۱۲۸ بیش‌ترین فراوانی را دارند. بر این پایه فراوانی‌های به‌دست آمده از متغیرهای ضعف مشارکت سیاسی و توسعه نیافتگی اقتصادی نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها در ادراک محیطی نسبت به ناحیه‌گرایی مؤثر بوده‌اند.

پژوهش حاضر برای سنجش متغیر همجواری ناحیه مورد مطالعه با شبه‌قاره هند، یعنی کشورهای پاکستان و افغانستان، مؤلفه‌هایی نظیر (تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی به سبب عوامل برون‌مرزی و همچنین تشدید گرایش‌های قومی - مذهبی به سبب کم‌توجهی به خصیصه‌های قومی - مذهبی ناحیه توسط حکومت مرکزی مورد پرسش قرار گرفت. هم‌چنین برای سنجش متغیر ناحیه‌گرایی مذهبی، مؤلفه‌های ضعف هم‌گرایی با دیگر مناطق کشور به سبب تمایز فرهنگی و مذهبی، ضعف انعکاس سنت‌ها و عقاید مذهبی و قومی توسط صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، بروز اقدامات خرابکارانه و تروریستی به سبب تأثیرپذیری از اندیشه‌های بنیادگرایی سلفی برون‌مرزی، گرایش به فرهنگ و مذهب آن سوی مرز به سبب شباهت‌های قومی و مذهبی و گسترش مدارس مذهبی اهل سنت مورد پرسش قرار گرفت. بر این اساس در در رابطه با این دو مؤلفه نیز نتایج به دست آمده براساس آزمون مربع کای نشان داد که معیار تصمیم‌گیری (۰/۰۰۰) پایین‌تر از ۰/۰۱ است. بنابراین، فرض صفر مبتنی بر عدم وجود همبستگی بین متغیرهای مذکور با ۹۹ درصد اطمینان رد شد و این به معنای وجود اختلاف معنا دار بین فراوانی متغیرهای اندازه‌گیری شده می باشد براین پایه سنجش متغیرهای همجواری ناحیه مورد مطالعه با شبه‌قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی با استفاده از آزمون مربع کای و فراوانی بدست آمده از این دو مؤلفه نشان دهنده تأثیر این مؤلفه‌ها در ادراک محیطی نسبت به ناحیه‌گرایی در منطقه مورد مطالعه است.

در نهایت پس از تجمیع و رتبه‌بندی نظرات پاسخ‌دهندگان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون شدت رابطه بین متغیرهای تعامل با شبه‌قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی آزمون شد. و مشخص گردید بین متغیرهای تعامل و همجواری با شبه‌قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی با ضریب همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی هم‌زمان با بالا رفتن تعامل با شبه‌قاره هند، ناحیه‌گرایی مذهبی در ناحیه مورد مطالعه افزایش یافته است (جدول ۵).

جدول ۵- همبستگی بین متغیرهای تعامل با شبه‌قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی با استفاده از ضریب همبستگی

اسپرمین

آماره‌های همبستگی اسپرمین		تعامل با شبه‌قاره هند	ناحیه‌گرایی مذهبی
تعامل با شبه‌قاره	ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	۰/۵۵۹**
هند	معیار تصمیم‌گیری	-	۰/۰۰۰

ادامه جدول ۵

ناحیه‌گرایی مذهبی		تعامل با شبه‌قاره هند	آماره‌های همبستگی اسپرمن
تعداد نمونه‌ها	۳۸۴	۳۸۴	تعامل با شبه‌قاره هند
ضریب همبستگی	۰/۵۵۹**		ناحیه‌گرایی مذهبی
معیار تصمیم‌گیری	۰/۰۰۰		
تعداد نمونه‌ها	۳۸۴		

۵- نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر مسأله نقش ساختارهای محیطی (انسانی و طبیعی) در شکل دهی به ذهنیت (ادراک محیطی) و بروز ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران چگونه است؟ با تدوین فرضیه ساختارهای محیطی (مشارکت سیاسی، توسعه نیافتگی اقتصادی، تعامل با شبه قاره هند و ناحیه‌گرایی مذهبی) در مقیاس ناحیه‌ای، ملی و فروملی در شکل دهی به ذهنیت (همان ادراک محیطی) و به تبع بروز ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران نقش دارد. با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی بررسی شد بر پایه تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق و آزمون متغیرهای فرضیه می‌توان به این نتایج رسید که: از عوامل تأثیر گذار در ایجاد ادراک ناحیه‌گرایی در استان سیستان و بلوچستان ضعف مشارکت در تمام ابعاد آن یعنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است

هر چند بر پایه تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در متغیر ضعف مشارکت سیاسی در ناحیه به طور مشخص (مؤلفه حضور در انتخابات) از فراوانی بالایی برخوردار است، اما این موضوع تحت شعاع مؤلفه‌های کاهش همگرایی ملی به سبب ضعف مشارکت اهل سنت در امور استانی و ملی، ذهنیت بدبینانه اهل سنت نسبت به رویکرد و اقدامات مسئولان کشور در سطح ناحیه و استان، که دارای بیش‌ترین فراوانی هستند قرار می‌گیرد.

همچنین در پژوهش صورت گرفته با استفاده از آزمون مربع کای، تأثیر متغیر «توسعه‌نیافتگی اقتصادی»، همجواری با شبه‌قاره هند (پاکستان) و افغانستان و ناحیه‌گرایی مذهبی بر اساس مؤلفه‌های مرتبط با آنها صورت گرفت. فراوانی‌های به دست آمده نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها در تأثیر این مؤلفه‌ها در ادراک محیطی نسبت به ناحیه‌گرایی در منطقه مورد مطالعه است. براین پایه نتایج تجزیه و

تحلیل متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که ضعف مشارکت سیاسی و توسعه‌نیافتگی اقتصادی زمینه بحران اعتماد در جنوب شرق ایران را فراهم نموده است، که این شرایط طی دو دهه اخیر امنیت ناحیه‌ای این بخش از کشور را متأثر ساخته است. دیدگاه منفی مردم نسبت به کارکرد و کارایی حکومت به سبب کم‌توجهی به تأسیس بازارچه‌های مرزی، توسعه‌ی مناطق آزاد اقتصادی و رونق اشتغال، کاهش جذب گردشگران داخلی و خارجی به سبب ضعف امنیت، کاهش سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی به سبب ضعف امنیت و ناتوانی ساکنان در تأمین نیازمندی‌های معیشتی به سبب توسعه-نیافتگی اقتصادی در استان است.

از سوی دیگر همجواری با شبه‌قاره هند (پاکستان) و افغانستان هرچند می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، اما به صورت عکس‌العملی موجب دخالت عوامل بیگانه در امور داخلی ایران نیز شده است و معمولاً یکی از راه‌های ورود افکار ناسیونالیستی و ناحیه‌گرایی به داخل کشور از همین مناطق است بنابراین همگونی زبانی و مذهبی (زبان بلوچی و مذهب حنفی) زمینه‌ی تعاملات جنوب شرق ایران با منطقه شبه‌قاره هند؛ یعنی کشورهای پاکستان و افغانستان را فراهم کرده و در نتیجه جریان‌های ناحیه‌گرایی مذهبی در این بخش از کشور شکل گرفته و امنیت این ناحیه را تحت تأثیر قرار داده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که دنباله آنها در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. با توجه به این مطلب، جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان) در محدوده هلال طلایی (منطقه‌ای که دور از دسترس سه دولت ایران، پاکستان و افغانستان بوده و محل گذر باندهای مواد مخدر، تولید هروین و قاچاق سلاح‌های جنگی است) قرار گرفته و پس از سرنگونی طالبان در افغانستان به محل تجمع تروریست‌های بنیادگرا تبدیل شده است که می‌تواند بسترهای عمیق ناحیه‌گرایی را در منطقه مورد مطالعه فراهم کند.

۶- پیشنهادها

۱. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از مقوله ادراک محیطی تابع میزان داد و ستد و مرادده است توصیه می‌شود راه‌های ارتباطی (زمینی، هوایی و دریایی) میان جنوب شرق کشور با بقیه کشور تقویت شود تا ضمن گسترش مراددهات در اصلاح نگاه بلوچ‌ها و نیز بقیه مردم ایران مؤثر واقع شود.

۲. بخش عمده ای از بزهکاری موجود در استان در پیوند با ضعف زیرساخت های معیشتی است توصیه می شود توانش های محیطی منطقه در پیوند با مقوله ایجاد بازارچه های مرزی با جهت گیری صادراتی به کار گرفته شود.
۳. با عنایت به اینکه بلوچ های اهل سنت اکثریت جمعیت استان یا جنوب شرق ایران را تشکیل می دهند توصیه می شود در قالب یک راهبرد مشخص حداکثر همکاری جهت نهادینه کردن حضور آنها در پست های استانی فراهم شود.
۴. هر گونه توسعه استان نیازمند جلب همکاری متنفذان محلی به ویژه مولوی هاست توصیه می شود آن شمار از مولویی هایی که رویکرد تخصصی نسبت به همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی و نیز نظام سیاسی ندارند در اولویت همکاری برای توسعه جنوب شرق کشور قرار گیرند.

کتابنامه

1. Abdollah Khani, A. (2004). *Theories of Security*. 1st Edition. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
2. Ahmadi, A. (2006). Perceptual Approach to the Environment in Behavioral Geography, *The Growth of Geography Education*, 31(1).Pp. 48-58. (In Persian)
3. Airing, L. (1979). *Buffer States on the Rim of Asia: Pakistan, Afghanistan, Iran and the Super Powers, Soviet – American Relations with Pakistan, Iran and Afghanistan*, Edited by Hafez Mali, Pennsylvania: Pennsylvania University Press).
4. Alimadadi, M. (2015). Effect of Popular Participation on Security in the Border Regions of Iran and Pakistan (Case Study of Sistan and Baluchistan Province). *Border studies research*. 3(4). Pp. 150-168. (In Persian)
5. Behforouz, F. (1992). *Environmental perceptual and behavioral studies in the field of behavioral geography and contemporary human geography*. Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Persian)
6. Benou, V. (2009) *Encyclopedia of Phenomenology Social geography*. (Ahmadi, M. trans.), *Magazine Growth Geography Education number 89*. [In Persian]
7. Bouzan, B. (2013). *A New Framework for Security Analysis*. 2nd Edition. (Tayeb, A. R., Trans.), Tehran: Research Institute for Strategic Studies.(In Persian)
8. Dahmrdeh, M. (2015). *The most important factors affecting the spread of terrorist groups across the borders of Sistan and Baluchestan*. Tehran: 2nd International Congress of 17,000 Martyrs of Terror.(In Persian)
9. Hafeznia, M.R. & Kavianirad M. (2013). *Philosophy, Political Geography*, 1st Edition, Tehran: Publications Strategic Studies. (In Persian)

10. Hafeznia, M.R. & kavianirad, M. (2014). *Philosophy of Political Geography*. Tehran: 1st Edition. Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
11. Hafeznia, M.R. (2011). *Political Geography of Iran*. 4th Edition. Tehran: SAMT. (In Persian)
12. Harvey, A. (2005). Researching for Securing by Predicting Risk, *Journal of Military and Strategic Studies*, 7(4). Pp.26-35.
13. Karmon, E. (2005). *Coalitions between Terrorist Organizations: Revolutionaries, Nationalists and Islamists*, Boston: Brill Academic Pub.
14. Kavianirad, M. (2010). *Regionalism in terms of geopolitics*, 1st Edition, Tehran: Institute for Strategic Studies. (In Persian)
15. Kavianrad, M. & colleagues (2016). Explaining the effects of geographic scales on the formation of regionalism in the south-east of the country. *Political Geography Research*, 1(1). pp.6-26. (In Persian)
16. Kavianrad, M. (2010). *Regionalism in Iran*. 1st Edition. Tehran: Institute of Strategic Studies Publications. (In Persian)
17. Leftwatch, A., (2006). Developing Governments Regarding the Importance of Politics in Development, (Afshar Zahan, J. Trans.), Mashhad: Marandiz, Ninggar. (In Persian)
18. Mojtahedzade, P. (2011). *Political Geography and Geographic Policies*. 5th Edition. Tehran: Samt. (In Persian)
19. Mortazavi, Sh. (2000). *Environmental Psychology and its Applications*, Tehran: Shahid beheshti University Publication. (In Persian)
20. Shabani, N. (2007). *Security Issues in the Sistan and Baluchestan Province, Strategic Analysis*. Tehran: Strategic Studies Institute Research. (In Persian)
21. Shakkoui, H. (2007). *Environmental Philosophy and Geography Schools*. 2nd Edition. Tehran: Gitashenasi Publications. (In Persian)
22. Shariati sabzevari, M.B. (2008). *Written on the Principles of Philosophy and the Method of Realism*. 2nd edition. Qom: Boosta ketab Institute. (In Persian)
23. Volfer, z. (2000). *Selection of Political Articles*. Tehran: the Social Research Institute. (In Persian)